

## نگرش‌های در حال تغییر نسبت به طلاق در بین دانشجویان دانشگاه‌های اردبیل

ایران سلیمانی<sup>\*۱</sup>

۱- گروه الهیات و معارف اسلامی واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

### چکیده

هرچند در فرهنگ سنتی جوامع، طلاق پدیده‌ای شوم و بد کارکرد بوده است، اما امروزه با گسترش تغییرات اجتماعی گسترده در جوامع بسیاری از نگرش‌های فردانیز دچار تغییر و تحول شده است. یکی از این حوزه‌ها که تغییرات ملموسی را تجربه کرده است، نگرش به طلاق است. این پژوهش با هدف بررسی نگرش‌های در حال تغییر نسبت به طلاق در بین دانشجویان دانشگاه‌های اردبیل به روش کمی و پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل ۴۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های علمی کاربردی و آزاد اسلامی در سطح استان بوده است که حجم نمونه به صورت خوشه‌ای سیستماتیک انجام شده است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده و نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داده است که نگرش دانشجویان به طلاق بیش از حد متوسط بوده و بین جنسیت و نگرش به طلاق تفاوت معناداری وجود ندارد.

**واژه‌های کلیدی:** طلاق، نگرش مثبت، نگرش منفی، دیدگاه ایده آل نسبت به طلاق.

## مقدمه و بیان مسأله

تغییرات اساسی در تمام ابعاد زندگی از مسایل مهم جوامع است. تغییر مقوله‌ای حتمی در فرایندهای زندگی است و معمولاً دو نگاه کلی به تغییر در همه جوامع وجود دارد. این نگاه‌ها را اندیشمندان در دو بعد خوشبینانه و بدبینانه بررسی و تحلیل می‌کنند. زندگی و ارتباطات اجتماعی و تعاملات افراد نیز به واسطه تغییرات موجود دچار تغییرات عمده شده است که نگرش به طلاق یکی از این تغییرات است و با توجه به تغییرات متعدد در سبک زندگی شاهد تغییرات عمده‌ای در سبک‌های طلاق هستیم. همچنین کم توجهی به مسائل اجتماعی در دهه‌های اخیر، منجر به گسترش بحران‌های اجتماعی شده، که یک نمونه آن افزایش طلاق است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در حال حاضر طلاق مهم‌ترین معضلی است که جامعه ما از آن رنج می‌برد. براساس آمار منتشره از سوی سازمان ثبت احوال کشور، طلاق‌های ثبت شده در سال ۱۳۹۰ رشد بسیار زیادی در مقایسه با سال‌های گذشته داشته است.

طلاق یکی از مهم‌ترین پدیده‌های انسانی در جوامع است. این پدیده، پدیده‌ای تاریخی است که با پیدایی ازدواج همزاد و قرین است. امروزه در بسیاری از جوامع، پدیده طلاق به دلایل عدیده‌ای روبه افزایش نهاده است. در جامعه‌ی ما نیز که از آسیب‌های اجتماعی قرن حاضر جوامع صنعتی به دور نمانده است، این مسأله به وضوح به چشم می‌خورد. گسترش شهرنشینی، افزایش مظاهر مدرنیته و تغییر سبک زندگی از سنتی به مدرن باعث شده که نظام خانواده در ایران دچار تغییراتی اساسی شود (ستوده، ۱۳۸۴: ۵۶). در گذشته طلاق نزد خانواده‌های ایرانی و مخصوصاً زنان امری ناشایست تلقی می‌شد، تحت این دیدگاه سنتی کم‌تر زنی حاضر بود علیرغم شرایط سخت زندگی در خانه همسر، طلاق گرفته و به خانه‌ی پدری باز گردد. تفکر غالب بر سازش و کوتاه آمدن زنان استوار بود و مردان به هیچ وجه حاضر نمی‌شدند از موضع قدرت و تحکم پایین بیایند. علیرغم این موارد کم‌تر زنی حاضر می‌شد لقب مطلقه را یدک بکشد. به بیان بهتر «شیوه‌های کهن در طول قرن‌ها مکانیسم‌های سازگار ساختن زنان با روش شوی‌گزینی و ادامه زندگی مشترک، چه خوب یا بد را پدید آورده بود و زندگی زناشویی را به تعادل می‌رسانده‌اند و زنان جامعه سنتی این نقش را پذیرفته بودند (آقاجانی‌مرسا، ۱۳۸۴: ۴۰). بنابراین در این دوره نگرش منفی‌ای نسبت به طلاق وجود داشت و

اکثر افراد جامعه آن را نکوهش می‌کردند. اما امروزه این شیوه نه براساس تحولات خودجوش درونی جامعه که لازم است، بلکه تحت تأثیر صنعتی شدن ظاهری، افزایش شهرنشینی، کم‌رنگ شدن تفکرات سنتی و رشد فردگرایی، مخصوصاً در بین زوجین شهری، از مکانیسم‌های خود باز مانده است بدون آن که زمینه‌های فکری و فرهنگی آن مهیا شده باشد. بسیاری از زنان نقش‌های خود را نمی‌پذیرند، در مقابل مردان نیز آماده پذیرش نقش‌های جدید همسران خود نیستند. در چنین حالتی ناسازگاری‌های زناشویی گریزناپذیر می‌شود و طلاق به عنوان آسیبی جدی مطرح می‌شود و حتی نگرش به این قضیه نیز متفاوت است. در غالب افراد امروزی دیگر رویکردهای گذشته حاکم نیست و حتی به طلاق به عنوان سند افتخار می‌نگرند. دلایل عمده‌ای برای نگرش منفی به طلاق در گذشته وجود داشت. در گذشته بیشتر والدین خود را موظف می‌کردند که برای تأمین آرامش و سلامت روانی فرزندان شان حرفی از جدایی و طلاق به میان نیاورند و علی‌رغم اختلافات و درگیری‌های بسیار به زندگی زناشویی خود ادامه دهند، اما پس از آغاز این دهه، نظریه تازه‌ای مطرح شد که بر ساختار ذهنی و فکری خانواده‌ها تأثیر گذارد. نظریه جدید بر این مبنا بود که زندگی فرزندان در خانواده‌هایی که پر از تنش و درگیری است، اثرات بسیار مخربی بر فکر و روح آنها دارد، پس جدایی والدین برای این دسته مفیدتر و بهتر است. با اعلام این نظریه جدید تعداد زیادی از خانواده‌های پرتشنج به این راه حل تازه روی آوردند و جدا شدن والدین باعث بازگشت آرامش به زندگی فرزندان شد (خدابخشی، ۱۳۸۸). اما این مساله خاص خانواده‌های دارای فرزند بود و غالب ازدواج‌های امروزی در سال‌های اولیه و بدون فرزند به طلاق منجر می‌شوند. نا مطلوب بودن این پدیده به این علت است که خانواده مهمترین نهاد اجتماعی در جوامع انسانی است که تکوین و پرورش شخصیت افراد در آن شکل می‌گیرد. علی‌رغم جایگاه مهم خانواده و زندگی زناشویی، داده‌های آماری حکایت از افزایش روزمره‌ی فروپاشی این پیوند انسانی دارد. شکی نیست که تغییر نگرش به طلاق و همچنین نگرش مذهبی می‌تواند در ارتباط زناشویی موثر باشد، زیرا مذهب شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه‌دهنده سامانه باورها و ارزش‌ها است که این ویژگی‌ها می‌توانند زندگی زناشویی را متأثر سازند. در واقع نابسامانی سازمان خانوادگی یا گسیختگی آن را می‌توان به عنوان شکست واحد خانواده و گسیختگی ساخت نقش‌های

اجتماعی به علت قصور یا ناتوانی یک یا چند عنصر خانواده در اجرای نقش‌های خود تعریف نمود (گود، ۱۳۵۲: ۲۴۸). چراکه نقش خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی با کارکردهای مختلف آن، می‌تواند هم در جنبه مثبت آن یعنی ایجاد کانون آرامش و هم در جنبه منفی آن یعنی ایجاد آسیب‌های اجتماعی بسیار مهم و تأثیرگذار باشد. از جمله وجوه منفی پدید آمده از درون این نهاد اجتماعی، بروز آسیبی طلاق است که آثار مخرب آن می‌تواند در ابعاد اجتماعی فوق العاده زیاد باشد و موجب ایجاد ناهنجاری‌های اجتماعی بسیار گردد.

همچنین طی دهه‌های اخیر به دنبال افزایش جمعیت و تغییر در نظام فرهنگی، ارزشی و هنجاری، میزان طلاق‌های توافقی که ناشی از تغییر نگرش به طلاق است، روندی افزایشی به خود گرفته است. پدیده‌ای که صرفاً به جوامع صنعتی محدود نشده و به عنوان یک ارزش اجتماعی - فرهنگی جدید به سایر جوامع نیز راه یافته است (شیخی، ۱۳۸۰: ۱۰۶). در این راستا جامعه ما نیز در مسیر تغییراتی قرار دارد که چشم انداز و دامنه آن چندان که باید روشن نیست؛ زیرا بواسطه جهانی شدن و پیشرفت‌های تکنولوژیکی و فرآیند مدرنیته، ساختار اجتماعی خانواده ایرانی تحت تأثیر و دگرگونی قرار گرفته است. خانواده ایرانی با چالش‌های بسیاری روبرو است؛ که این چالش‌ها سطوح سرمایه اجتماعی خانواده را دستخوش تغییر نموده است. تحولاتی از قبیل، تغییر در جایگاه زنان، تغییر نگرش به طلاق، افزایش میزان طلاق‌های توافقی و تغییرات در مرکزیت تصمیم‌گیری خانواده به گونه‌ای بروز کرده‌اند که حوزه مطالعات خانواده در ایران را به طرح بحث فروپاشی خانواده کشانده است. بررسی‌ها نشان داده که آمار طلاق در طول چند سال اخیر در ایران روشنگر حقایق تلخ و درد آوری است. نتایج بسیاری از کارهای پژوهشی در زمینه طلاق در جهان و مقایسه آن با افزایش طلاق در ایران نشان می‌دهد که میزان طلاق در ایران گرچه نسبت به جدایی‌های آمریکا و روسیه رقم کمتری را به خود اختصاص داده است؛ اما نسبت به کشورهای اروپایی بیشتر است (ریحانی و عجم، ۱۳۸۱: ۹۷)، دلیل مهم این امر تغییر نگرش به طلاق است. از این رو هدف این تحقیق، بررسی نگرش‌های در حال تغییر نسبت به طلاق است و محقق به دنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا نگرش دانشجویان نسبت به طلاق تغییر کرده است یا خیر؟ در همین راستا داده‌ها و اطلاعات

این پژوهش با توزیع پرسشنامه‌هایی بین دانشجویان شهر اردبیل انجام و مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

## مفاهیم و ادبیات نظری

### اهداف تشکیل خانواده

زندگی‌ها بر پایه الگوی فرهنگی خود از یکدیگر متمایز می‌شوند و فرهنگ‌ها حاصل اندیشه‌ها هستند. زن‌هایی که به داشته‌های خویش به چشم حقارت بنگرند، طعم تلخ ناکامی زندگی را همیشه در کام خواهند داشت. گستره تاریخ بشریت مبین استمرار نسل اولاد آدم از بدو خلقت تا کنون و از حال تا ابدیت تاریخ بوده و هست و خواهد بود. هر چند لازمه استمرار نسل بشر تلافی فیزیکی دو موجود است، اما مبانی فطری و رسالت صاحبان شریعت و مصلحان جامعه هیچ‌گاه ارتباط آزاد را صحه نگذاشته و بلکه آن را مذمت نموده و به عنوان یک عمل ضد ارزش اجتماعی و خلاف فطرت به شدیدترین وجه قابل مجازات دانسته است (معتمدی و همکاران، ۱۳۷۷: ۲۱). مجموعه افعال و اعمال انسان‌ها و تقیید آنها بر مقررات شریعت و اوامر و نواهی صاحبان شرایع هم بیانگر این امر است که حتی در بدوی‌ترین جوامع امر ارتباط زوجین و تشکیل خانواده مبتنی بر قانونمندی خاص خود است، هر چند قانونمندی در تشکیل خانواده امری مسلم و ضروری است و بدون آن خانواده صبغه قداست نداشته، بلکه به عنوان نهاد ضد اجتماعی محکوم به فناست، ولی استمرار بقای خانواده بر اساس مهر و محبت و شالوده آن بر مبنای گذشت و ایثار بوده و هست. عطف توجه به گذشته تاریخ بیانگر آن است که مرتبط بودن یکی از زوجین به منافع قدسی اعتقادی یا به منافع قدرت مادی سلاطین و یا تخلق به اخلاقیات به تنهایی ضامن بقای خانواده‌ها نبوده و بر عکس، ارتکاب یکی از زوجین به اعمال ضد اجتماعی هم عامل مخرب خانواده‌ها نبوده است، بلکه آنچه که بقای خانواده را تضمین می‌نماید پذیرش طرفین و درک متقابل آنها از یکدیگر است و بدین جهت است که مترقی‌ترین قوانین و مقتدرترین محاکم و دقیق‌ترین عوامل اجرایی در حریم خانواده نمی‌تواند ارزش حقوقی، اجتماعی و اقتصادی عناصر تشکیل دهنده مهر و علاقه همسران به هم و اولاد را بسنجد، زیرا این عناصر، عنصر مادی و خاکی نبوده، بلکه دارای فرایند قدسی، معنوی و

ماوراءالطبیعه است. چه بسیار ناگزیرانی که شفای درد خود را در مراجعه به محاکم و توسل به متن بی روح قانون می بینند. کلیت این احکام در نهایت به تیغ قانون رشته مهر و محبت و علاقه زوجیت را قطع کرده، ولی فکری به حال اولاد طلاق ننموده است (بازگیر، ۱۳۸۳: ۲۲). متأسفانه امروزه طلاق به ظاهر همراه با گره گشایی های ارزنده که از زندگی کرده و توانایی های خیره کننده که قوانین و مقررات به او داده در زمینه افزون خواهی بعضی از زنان و مردان شرایطی راه انداخته که اکثر زوجین تن به مشکلات زندگی نمی دهند و طلاق را امری پسندیده و رهایی بخش می پندارند.

### دیدگاه ایده ال نسبت به طلاق

با توجه به فرهنگ حاکم بر جامعه، دیدگاه ها تغییر پیدا می کند. چهار عنصر دانش، بینش، روش، منش است که چهار چوب فرهنگ را تشکیل می دهند بدین معنی که هر چقدر دانش و آگاهی و علم مردم ترقی کند بینش عالی و روش مناسب و بالاخره منش ایده آل را به همراه خواهد داشت و این مسایل با توجه به مقتضیات زمان فرق می کند در زمان های قدیم به دلیل فقر فرهنگی و علمی طلاق مساوی با نابودی و اخیراً به دلیل تهاجم فرهنگی و غرور آگاهی کاذب طلاق مساوی رهایی و رسیدن به خوشبختی قلمداد می شود؛ در حالی که هر دو دیدگاه نامتعادل به نظر می رسد، چرا که هیچ قانونی در شرع مقدس به خاطر نفع یک شخص و ضرر دیگری تشریح نگردیده است (خدابخشی، ۱۳۸۸). بنابراین اگر امکان سازش برای هر یک از زوجین وجود داشته باشد، طلاق منفورترین و اگر عدم سازش منجر به افتادن در گناه و هلاکت زوجین باشد، طلاق رهایی بخش خواهد بود (ساعی ارسی و نیک نژاد، ۱۳۸۹).

### دیدگاه منفی به طلاق

طلاق داستان غم انگیز طولانی و پیچیده دارد که مکانیسم آن را به این صورت می توان بیان کرد: گروه مسلط (مردان) با تولید فرهنگ خاص و متناسب با موقعیت خویش، و ابداع زبان، واژه ها، نمادها و ضرب المثل ها به عنوان وسایل اعمال و انتقال فرهنگ تولید شده و سوق دادن و مجبور کردن افراد جامعه به قبول چنین فرهنگی، از طریق روند اجتماعی شدن یا

اجتماعی کردن، با استفاده از تمامی امکانات، آنها را مقید و مجبور می‌سازد تا چنین بار بیابند و رشد کنند و بپذیرند، آنچه که به آنها آموخته شده و هست، باید باشد و برحق است که اگر زن به هر قیمتی به زندگی با شوهرش ادامه دهد خوشبخت است حالا در آینده چه بلایی بر سرش خواهد آمد و چه توانی باید بپردازد مهم نیست (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۷). این روند منجر به تولید نگرشی خاص و قالبی می‌شود و در چارچوب "منفوریت طلاق" از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (ستوده، ۱۳۸۰). عده‌ای از افراد جامعه، کاملاً این نوع نگرش را می‌پذیرند و عده‌ای نیز در درست و عادلانه بودن آن دچار شک و تردید می‌شوند. این نوع نگرش، چون پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی است، فرد را می‌دارد تا جای پای آن را در زوایای فرهنگ خودی با مقتضیات زمان جستجو کرد، تحلیل این مسأله در ساخت فرهنگ نیاز به "چشم مرکب" دارد، زیرا کارهای اجتماعی نه خلق الساعه است و نه انفرادی که بتوان آن را به صورت منفک و معجزا در نظر گرفت. فرهنگ ساخته و پرداخته انسان‌ها برای تسلط بر طبیعت و از سرگیری بهتر زندگی است و ریشه در نیازهای بشر دارد. انسان بر اساس یک سری باورها، اعتقادات و ارزش‌ها، در طول زمان، نگرش خاص را در فرهنگ خویش در مورد زنان پدید آورده است که تغییر آن جز با تغییر باورها، اعتقادات و ارزش‌ها در طول زمان میسر نیست. در زمان‌های قدیم هدف اصلی از ازدواج، تولید مثل و ازدیاد جمعیت بود و هر زن و شوهری سرگرم آن بودند و در این وادی دختران نه ساله با پسران ۱۵ و ۱۶ ساله ازدواج می‌کردند و شروع به تولید مثل، نه تحصیلات و نه آرامش روحی و روانی زنان و نه فرهنگ ایده‌ال امروزی ملاک بود در نتیجه سطح سواد و دانش بسیار پایین و اندک بود، در نهایت منش‌های ضعیفی هم بر جامعه حاکم می‌شد؛ با پیشرفت علم و فرهنگ و تمدن و وضع قوانین و مقررات و تشویق دولت به "فرزند کمتر، زندگی بهتر" تمام خانواده‌ها سعی در بهبود جمعیت خانواده نمودند و در نتیجه فرزند کم، تحصیلات و امکانات عالی برای خود و فرزندان تدارک دیدند. به نظر می‌رسد که ریشه اصلی هر نوع نگرش به خانواده از همین جا نشأت گرفت.

## دیدگاه مثبت به طلاق

اخیراً لذت نجات از زندگی هلاکت بار و رسیدن به آرامش چنان مهری بر دل زنان نهاده که جشن طلاق بر پا و کارت دعوت "رهایی" پخش می‌کنند و چنان سودمند واقع شده و هست که موجب تغییر نگرش نسبت به طلاق گردیده است که جز با تلاش گسترده و طولانی و عمیق فرهنگی، راهی برای تغییر نگرش مجدد نمی‌توان یافت. به احتمال زیاد بیشتر کارکردهای نگرش منفی از بین رفته و یا دیگر عمل نمی‌کنند و کوتاهی و قصور زنان تا به امروز در به وجود آمدن چنین نگرش منفی را نباید نادیده گرفت و اکنون با انفجار آگاهی و تهاجم فرهنگی، زنان به ارزش‌ها و باورهای عمیقی رسیده‌اند که ما حاصل آن نگرش مثبت به طلاق است (مظلوم خراسانی، ۱۳۸۰). از عوامل دیگر نگرش مثبت نسبت به طلاق رسیدن به پله‌های ترقی و پیشرفت است و این که در این میان نباید تأثیر رسانه‌ها و جراید و مجلات را نادیده گرفت. علل دیگر نگرش مثبت به طلاق منبعث از نگرش تبعیض جنسیتی به معنی نابرابری زن و مرد در برابر امکانات، اشتغال، آموزش و... است. به جرأت می‌توان گفت نابرابری جنسیتی پدیده‌ای اجتماعی است. متأسفانه هنوز هم کم نیستند کسانی که منشأ نابرابری‌های جنسیتی و تفاوت‌های رفتاری میان زنان و مردان را فطری یا زیستی می‌دانند و برخی وجود عوامل فرهنگی از نوع بسیار کلی از قبیل صرف وقت زیاد از سوی زنان جهت نگهداری از کودکان را مانع روی آوردن آنها به فعالیت‌های برتری جویانه می‌دانند (دانشگاه آزاد واحد تهران شمال، ۱۳۸۸: ۲۴).

## فرضیات پژوهش

- ۱- نگرش دانشجویان نسبت به طلاق مثبت‌تر شده است.
- ۲- بین جنسیت و نگرش دانشجویان نسبت به طلاق تفاوت وجود دارد.
- ۳- بین سن و نگرش دانشجویان نسبت به طلاق تفاوت وجود دارد.



## روش پژوهش

با توجه به این که این پژوهش از نوع توصیفی زمینه‌یابی است که به توصیف وضعیت نگرش‌های در حال تغییر نسبت به طلاق در شهر اردبیل می‌پردازد، جامعه آماری شامل دانشجویان دانشگاه‌های استان است که در ابتدا به روش تصادفی سیستماتیک چندتا دانشگاه به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب و سپس در نمونه‌گیری در این دانشگاه‌ها به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای از افراد سوالات پرسیده شده است. در روش نمونه‌گیری از کل جامعه آماری به طور تصادفی و بر حسب قرعه، پرسشنامه‌ها را بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه جامع علمی کاربردی شهر اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی مشکین‌شهر و خلخال در مقطع کاردانی و کارشناسی و در گروه‌های مختلف سنی توزیع و به عنوان جامعه آماری در نظر گرفتیم و ۴۰۰ دانشجوی اعم از دختر و پسر و مجرد و متأهل به طور تصادفی از بین دانشجویان این دانشگاه‌ها به عنوان نمونه انتخاب شدند. آزمون آلفای کرونباخ برای پایایی پژوهش بر روی پرسشنامه‌های تکمیل شده انجام شد که نتایج قابل قبولی را برای پرسشنامه در بر داشت. در نهایت داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده به کمک نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است.

## یافته‌های توصیفی

نتایج توصیفی نشان می‌دهد که از نمونه تحقیق ۲۱۸ نفر را مردان و ۱۸۲ نفر را زنان تشکیل می‌دهند که این امر تقریباً تصادفی بودن نمونه را بیشتر نمایان می‌کند. در زمینه تحصیلات نیز حدود ۴۷ درصد پاسخگویان در مقطع تحصیلی کاردانی و کارشناسی بوده است و میانگین سنی پاسخگویان ۳۰ سال بوده است. همچنین نتایج توصیفی نشان می‌دهد که میانگین پیشرفت تحصیلی دانشجویان متوسط رو به بالا بوده و همچنین ۳۹ درصد پاسخگویان متأهل و بقیه مجرد بوده‌اند.

## یافته‌های استنباطی فرضیه اول پژوهش

۱- نگرش دانشجویان نسبت به طلاق مثبت‌تر شده است.

در راستای سنجش نگرش دانشجویان نسبت به طلاق مجموعه سوالاتی در طیف لیکرت از پاسخگویان پرسیده شده است. در این طیف حداقل نمره (۱) به منزله نگرش منفی و حداکثر نمره (۵)، به منزله نگرش مثبت بوده است و نمره (۳) گویای عدم تغییر نگرش‌ها و یا نگرش حد وسط بوده است. بنابراین برای سنجش و آزمون این فرضیه از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است.

### جدول (۱) آزمون تی تک نمونه‌ای برای آزمون مقایسه میانگین نگرش دانشجویان نسبت به طلاق با حد متوسط آن

تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار آزمون	مقدار T	سطح معنی داری
۴۰۰	۳/۴۵	۱/۳۹	۳	۶/۴۶	۰/۰۰۰

جدول فوق آزمون تفاوت میانگین نگرش دانشجویان نسبت به طلاق بر حسب مقدار آزمون در حد متوسط نشان می‌دهد. با توجه به آمارهای موجود در این جدول، میانگین نمره نگرش دانشجویان نسبت به طلاق برای دانشجویان ۳/۴۵ است و با مقدار حد متوسط نگرش دانشجویان که بر اساس میانگین ۲۴ سوال در پرسشنامه سنجیده شده است که مقدار آن ۳ شده است، تفاوت دارند. این میزان تفاوت بر اساس اصول حاکم بر قضایای آماری متعلق به ۴۰۰ نفر افراد نمونه آماری هستند و برای تعمیم آن به کل جامعه آماری مقدار تی و سطح معناداری به کمک می‌آیند. لذا با توجه به مقدار  $T=6/46$  و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌توان این فرضیه را تایید کرد که نگرش دانشجویان به طلاق نسبتاً مثبت شده است.

۲- بین جنسیت و نگرش دانشجویان نسبت به طلاق تفاوت وجود دارد.

**جدول (۲) آزمون تی دو نمونه مستقل برای مقایسه میانگین نگرش دانشجویان نسبت به طلاق در دو جنس زن و مرد**

سطح معناداری	مقدار T	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	جنسیت	
۰/۶۸۶	۰/۴۰۹	۱/۳۷	۳/۴۸	۱۸۲	زن	نگرش به طلاق
		۱/۴۲	۳/۴۳	۲۱۸	مرد	

بر اساس اطلاعات جدول فوق رابطه بین جنسیت و نگرش به طلاق بررسی شده است. برای این بررسی از آزمون مقایسه میانگین‌ها استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون تی دو نمونه مستقل نشان می‌دهد که میانگین میزان نگرش به طلاق در دو جنس دارای تفاوت ناچیزی با هم است و این اختلاف جزئی می‌تواند ناشی از خطای نمونه باشد و قابلیت تعمیم به جامعه آماری را ندارد، چرا که سطح معناداری بیش از ۵ درصد است. بنابراین نگرش به طلاق در بین دانشجویان بر اساس جنسیت تفاوت ندارد.

۳- بین سن و نگرش دانشجویان نسبت به طلاق تفاوت وجود دارد.

**جدول (۳) ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین سن و نگرش دانشجویان نسبت به طلاق**

ضریب همبستگی	جامعه آماری	برآورد
$r=۰/۲۰۱$	$N=۴۰۰$	$sig=۰/۰۲۶$

با توجه به ضرایب به دست آمده؛ یعنی سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ( $sig=۰/۰۲۶$ ) و ضریب همبستگی پیرسون مثبت ( $r=۰/۲۰۱$ ) می‌توان این نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و

معناداری بین سن و نگرش به طلاق وجود دارد. بر این اساس می‌توان گفت هرچقدر سن افراد افزایش یابد، نگرش افراد به طلاق مثبت تر خواهد بود. چون در این جدول سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است، بنابراین می‌توان نتیجه را به جامعه آماری تعمیم داد.

## نتیجه گیری

با وجود تغییرات گسترده در زندگی، امروزه طلاق نیز همانند ازدواج تغییر ماهیت یافته است. بررسی‌ها درباره زمینه تاریخی در کنار پژوهش‌های جامعه‌شناختی معاصر به شناخت جایگاه طلاق در ساختمان نهاد خانواده کمک خواهد کرد. طلاق به فقدان چشمگیر ثبات در میان بسیاری از گروه‌های اجتماعی مربوط است. همانطور که عنوان شد، در گذشته به خاطر عدم فروپاشی گروه خانوادگی، طلاق کمتر صورت می‌گرفت و عموماً مشکلات زناشویی به ویژه در خانواده‌های دارای فرزند، تحمل می‌شد، حال آن که امروزه این پدیده حاصل‌گزینش اختیاری و توافق افراد است. در نظریات متفکران اجتماعی و دینی، عوامل طلاق را می‌توان در چند دسته گروه بندی نمود؛ گروهی از آرا در زمره عوامل عینی قرار می‌گیرند و گروهی دیگر جزو عوامل ذهنی هستند که هر دو را می‌توان در حوزه جامعه‌شناسی و دین بررسی کرد. هرچند نظام فرهنگی ما بر پاسداری و مراقبت از کیان خانواده بنا شده است، ولی نمی‌توان بر واقعیت‌ها و آسیب‌های اجتماعی چشم فرو بست. طلاق یک آسیب اجتماعی است که تبعات مخرب خود را دارد، ولی آثار سوء خانواده‌های پرتنش و درگیر به مراتب بر فرزندان بیشتر از تأثیرات منفی طلاق است. از این رو امروزه بسیاری از افراد این مساله را بهانه‌ای برای نگرش مثبت خود به طلاق عنوان کرده‌اند. اما در هر صورت می‌توان گفت آسیب‌های فرزندان در خانواده‌های از هم گسیخته بسیار بیشتر از خانواده‌های دارای تنش است. چرا که فرزندان خانواده‌های طلاق، مشکلات رفتاری بیشتری نسبت به فرزندان خانواده‌های پرتنش باشد. بنابراین اگر والدین به جای تلاش برای جدایی، به تلاش برای ساختن مجدد رابطه‌ای سالم و مسالمت آمیز با همسر خود داشته باشند. همچنین باید با توانمند سازی زنان در زندگی به صورت پدیده ای ملموس و واقعی برخورد نمود، چرا که آسیب‌پذیری آنان زمینه را برای جدایی‌شان بیشتر هموار می‌کند. با بررسی اجمالی تاریخ به آسانی می‌توان ملاحظه کرد که

نگرش منفی به طلاق باعث استحکام خانواده توأم با آزار و اذیت زنان و این که زنان واقعاً از زندگی شخصی خود هیچ بهره‌ای نبرده‌اند، اما توانسته‌اند با سوختن خود زندگی را بسازند. در کل نتایج این پژوهش نشان داده است که نگرش دانشجویان به طلاق نسبتاً مثبت بوده و از این نتیجه نه به عنوان یک تهدید، بلکه می‌توان به عنوان فرصتی برای زنان برای بازسازی زندگی از آن یاد کرد. البته پذیرش این تغییر در نسبت با تغییرات گسترده اوضاع اجتماعی ناچیز است و هنوز هم لایه‌های دینی و اعتقادی مردم در نگرش طلاق در جامعه موجودیت خود را حفظ کرده است و این در بلند مدت برای انسجام و نگهداشت خانواده‌ها مفید خواهد بود.

## منابع

- ۱- آقاجانی مرسا، حسن، ۱۳۸۴، عوامل مؤثر بر طلاق برحسب طبقه‌ی اجتماعی (مورد شهر تهران)، فصلنامه‌ی تخصصی جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان، سال اول، شماره‌ی دوم.
- ۲- احمدی، حبیب. (۱۳۷۷). *نظریه‌های انحرافات اجتماعی*، شیراز، انتشارات رز.
- ۳- اعزای، شهلا. (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ۴- جعفری، محمد تقی. (۱۳۷۶). *حکمت اصول سیاسی اسلام*، قم، دارالکتاب الاسلامی.
- ۵- جلیلیان، زهرا. ۱۳۷۵. «عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق در شهر تهران»، دانشگاه علامه طباطبایی، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی.
- ۶- خدابخشی، رامین. (۱۳۸۸). *سرپرستی پس از جدایی (تلاشی آگاهانه برای جبران خطاهای خودآگاه و ناخودآگاه)*، تهران: نشر قطره، چاپ اول.
- ۷- دانشگاه آزاد واحد تهران شمال. (۱۳۸۸). *مجموعه مقالات همایش کشوری چالش‌های حقوق زن و خانواده در جامعه ایران*.
- ۸- ریحانی، طیبه و عجم، محمود. ۱۳۸۱. «بررسی علل طلاق در شهر گناباد»، مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات درمانی گناباد. صص ۹۶-۱۰۰.
- ۹- ساعی ارسبی، ایرج، نیک‌نژاد، زهرا. (۱۳۸۹). *تحلیل جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان*،

فصل نامه تخصصی علوم رفتاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال دوم.

۱۰- ستوده، هدایت الله. (۱۳۸۴). *جامعه شناسی مسایل اجتماعی ایران*، تهران، نشر ندای آریانا.

۱۱- سگالن، مارتین (۱۳۸۵) «جامعه شناسی تاریخی خانواده»، ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.

۱۲- سیف اللهی، سیف الله. (۱۳۸۱). *جامعه شناسی مسایل اجتماعی ایران*، تهران، انتشارات جامعه پژوهان سینا.

۱۳- شیخی، محمد تقی. ۱۳۸۰. «جامعه شناسی زنان و خانواده». تهران. شرکت سهامی انتشار.

۱۴- صدیق سروستانی، رحمت الله. (۱۳۸۶). *آسیب شناسی اجتماعی*، تهران، انتشارات سمت.

۱۵- طباطبایی، جعفر. ۱۳۸۳. «بررسی طلاق و عوامل اجتماعی موثر بر آن در شهرستان بیرجند»، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده، پایان نامه کارشناس ارشد.

۱۶- عبداللهی، محمد، (۱۳۸۰). *طرح مسایل اجتماعی ایران، اهداف و ضرورت ها*، نامه ی انجمن جامعه شناسی ایران، شماره ۳.

۱۷- گود، ویلیام. ۱۳۵۲. «خانواده و جامعه»، ترجمه ویدا ناصحی، تهران بنگاه نشر و ترجمه کتاب.

۱۸- مصباح یزدی، آیت الله محمد تقی. (۱۳۸۷). *پرسش ها و پاسخ ها*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، جلد اول تا پنجم.

۱۹- مظلوم خراسانی، محمد. (۱۳۸۰). *بررسی مسایل اجتماعی ایران*، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.

۲۰- معتمدی، غلامرضا، عباس بشیری، سعید باقری. (۱۳۷۷). *قوانین و مقررات مربوط به زنان در ایران*، تهران، انتشارات ققنوس.

۲۱- ملتفت، حسین. ۱۳۸۱. «بررسی عوامل موثر بر گرایش زوجین به طلاق در شهرستان داراب، دانشگاه شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی».